

بابای سربلند؛

چگونه جو بایدن پدر بمب هسته‌ای ایران شد؟

با اینکه ضعف و بی‌خاصیت بودن جو بایدن، مانع تحقق اهداف او شده، اما برای یک پروژه مفید بوده است؛ یک پروژه ایرانی

صریح و شفاف اشاره می‌کنند که توسعه در توانایی و تقویت می‌کند؛ توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، نابود شده است.

امتناع از روی لجبازی بایدن نسبت به انجام مصالحه لازم برای احیای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، به ایران در مسیر ساخت بمب کمک کرده است. البته این مسیر به دست خود این کشور هموار شده اما در طول این راه، امتناع لجوجانه بایدن از انجام مصالحه لازم برای احیای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ نیز به آن کمک کرده است. همتای قبلی بایدن، دونالد ترامپ^۲ با دلخوری از این توافق خارج شد و بایدن، تلاش کرد تا آن را بازگرداند. باوجود این، وقتی شرایط حاد شد و وقت عمل رسید، بایدن از برگرداندن اقدامات تهاجمی ترامپ امتناع ورزید. دشوار است که بگوییم توافق هسته‌ای، یقیناً به پایان رسیده است، زیرا در مقام نظر، هر دو طرف می‌توانند به شکلی معجزه‌آسا، در هر زمانی به توافق برسند. این موضوع را می‌توان

مرتضی حسین در تحلیل منتشر شده خود در سایت تین ترسپیت^۱ بیان کرد که رئیس‌جمهور جو بایدن، تلاش زیادی برای پیشبرد هر کدام از اهداف داخلی خود، به خرج داده است. باوجود این، یک نتیجه وجود دارد که باید مستقیماً او را به آن دلیل، مورد تقدیر و ستایش قرارداد، دستاوردی که به دلیل محرک‌های سیاسی مفتضحانه واشنگتن^۲، تقریباً بدون هیچ مخالفتی، با موفقیت آن را به سرانجام رساند. ایران پس از دهه‌ها تجربه پیشرفتی کند و دارای توقف در زمینه توسعه توان ساخت سلاح‌های هسته‌ای، در حال پیشبرد آخرین تلاش‌ها و اقدامات برای نیل به این مرحله است. در حال حاضر، ایران از همیشه به ساخت یک بمب هسته‌ای حقیقی نزدیک‌تر است؛ فراتر از نقطه‌ای که ترورها، خرابکاری‌ها یا حتی مجموعه‌ای از حملات هوایی، بتواند موجب توقف جدی توان هسته‌ای آن شود. هر دو بخش جنگ طلب و صلح‌جوی خبرگزاری‌های آمریکا، به یک واقعیت

1. <https://theintercept.com/2022/07/31/joe-biden-iran-nuclear-bomb/>

2. Washington

به یک زامبی تشبیه کرد که کاملاً نمرده است، اما با این حال، امکان اینکه بتوان روح حیات را دوباره در آن دمید نیز وجود ندارد. براساس گزارش‌های منتشرشده، هماهنگ‌کننده خاورمیانه کاخ سفید،^۱ برت مک گرک^۲، روز چهارشنبه به گروهی از متخصصان اتاق فکر گفته که هرگونه بازگشت به توافق، «کاملاً بعید» است. پیش‌تر، دیپلمات ارشد اتحادیه اروپا، جوزپ بورل^۳ گفته بود که «من به این نتیجه رسیده‌ام که فضا برای مصالحه‌های مهم جدید، از بین رفته است.» وی افزود: اکنون، اگر هر دو طرف، خواهان پیشرفت امور باشند، باید توافق روی میز را امضا کنند. مشکل این است که آمریکا و ایران، قبلاً اشاره کرده‌اند، توافقی که اکنون روی میز است، قابل قبول نیست. آمریکایی‌ها مستحق بخش اعظم سرزنش هستند؛ زیرا این آمریکا بود که توافق را در همان ابتدا نقض کرد. اکنون، هر دو طرف و همچنین، کشورهای منطقه در بحبوحه پیامدهای منفی ادامه‌دار،

وضعیتی بدتر خواهند داشت. احتمالاً جالب‌ترین اظهارنظر درباره مرگ توافق هسته‌ای از سوی کشوری مطرح شده است که سران سیاسی آن، تمام توان خود را برای نابودی توافق انجام دادند؛ اسرائیل.

ایهود باراک،^۴ نخست‌وزیر سابق اسرائیل، در یادداشتی که در هفته‌نامه تایم^۵ منتشر شد، به تشریح ادعای خود پرداخت، آن هم مبنی بر اینکه چرا پایان توافق، باعث شده است تا بدترین کابوس‌های اسرائیل از یک ایران هسته‌ای به واقعیت تبدیل شود. باراک این‌گونه نوشت: «تابستان امسال، ایران در عمل، در آستانه تبدیل به یک کشور هسته‌ای قرار خواهد گرفت.» او همچنین اضافه کرد که برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران تا حدی پیشرفت کرده است که دیگر نمی‌توان با حمله هوایی یا خرابکاری، مانع آن شد. باراک -که از مفهوم صلح‌جویی، بسیار فاصله دارد- مدعی شد که آمریکا و اسرائیل، باید برنامه‌هایی برای حمله فوری به ایران در سال ۲۰۱۸ و پس از خروج از توافق هسته‌ای

طراحی می‌کردند. آن‌ها به خاطر «دلایل تشریح نشده»، نتوانستند این گام را بردارند که می‌توانست برنامه هسته‌ای را در همان سال‌ها متوقف سازد. در عوض، پیشرفت‌های هسته‌ای علی‌رغم طرح «فشار حداکثری» ترامپ، ادامه پیدا کرد. در حال حاضر، برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم در ایران، فراتر از آن هستند که بتوان به وسیله یک حمله از خارج، آن‌ها را به تأخیر انداخت. باراک گفت که کشتی برای جلوگیری از یک ایران هسته‌ای، به حرکت درآمده است. او در یادداشت خود نوشت که به جای حتی نوعی توافق ضعیف‌تر و محدودتر جدید، اسرائیل و کشورهای هم‌جوار آن، باید تلاش کنند تا ایرانی را مهار کنند که در نهایت از سطح آستانه هسته‌ای، فراتر رفته است. ایران، حداقل اعلام داشته است که دست به ساخت یک بمب هسته‌ای واقع، نخواهد زد و احتمالاً نیز چنین کاری نمی‌کند. حتی پس از توسعه توان خود، به دست آوردن فناوری لازم برای استقرار و پرتاب یک بمب با

4. Ehud Barak
 5. Time

1. White House Middle East coordinator
 2. Brett McGurk
 3. Josep Borrell Fontelles

کلاهک هسته‌ای زمان براست. توانایی برای ادامه روند انکار معقول نیز برای دولت ایران، حائز اهمیت است، زیرا به منافع یک بازدارندگی هسته‌ای بدون مواجهه با سرزنش و انتقادهای سیاسی علاقه‌مند است (اسرائیل، دهه‌ها به این دلیل، سیاست ابهام را در پیش گرفته است؛ امتناع از تأیید یا تکذیب زرادخانه هسته‌ای خود). اخیراً، یکی از مقامات ارشد ایران، ضمن اشاره به اینکه کشور هیچ تصمیمی برای ساخت سلاح ندارد، اظهار داشته است که در حقیقت، ایران «فناوری برای ساخت یک بمب هسته‌ای» را دارد. بعدها ایرانی‌ها از این اظهار نظر برگشتند، اما چنین دیدگاه‌های چرخشی قابل توجه در لحن، اظهار نظرهای گذشته را منعکس می‌کند که به روشنی حتی امکان تلاش برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای را رد می‌کردند.

پاسخ بایدن به تمامی این تحولات، به بدترین شکل ممکن بوده است؛ ناامید کردن پایگاه حامی دیپلماسی خود و در عین حال، آرام کردن دشمنان سیاسی اش. توافق هسته‌ای،

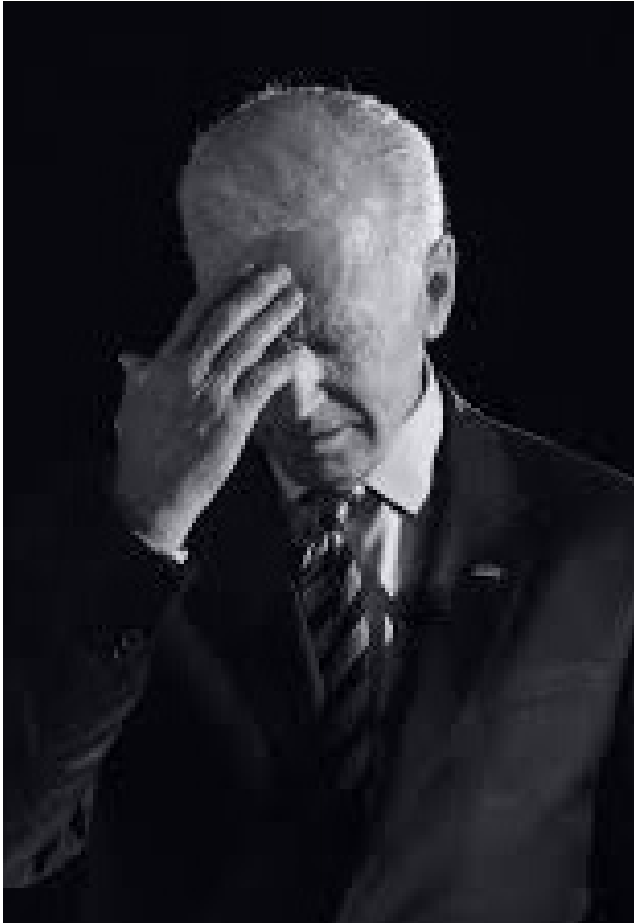
مشخصه دیپلماتیک دولت اوباما بود؛ دورانی که بایدن در جایگاه معاون رئیس جمهور فعالیت می‌کرد. بایدن پس از رسیدن به ریاست جمهوری، یک فرصت خوب سیاسی داشت تا شرایط پایبندی آمریکا به توافق را مجدداً فراهم سازد و با توجه به اینکه ایرانی‌ها حداقل به اجرای مواد و شروط آن، علی‌رغم طرح فشار حداکثری ترامپ ادامه می‌دادند. در عوض، بایدن در ترسی آشکار از خشمگین ساختن مخالفان سیاسی خود، به دلیل ضعیف به نظر آمدن، از ورود فوری دوباره به توافقی که امضاء شده بود، امتناع ورزید؛ اقدامی که وقتی او به ریاست جمهوری رسید، مقامات ایران اشاره کردند که آن را می‌پذیرند. بایدن به دلیل فشارهای سیاسی داخلی، همچنان به جای انجام تلاشی با حسن نیت برای ورود دوباره به توافق، به رفتارهای تهاجمی دست می‌زند. اکنون به نظر می‌رسد که او، هیچ چیزی برای ارائه ندارد.

در جهان واقعی و خارج از بحث‌های تحریف‌کننده واقعیت

1. Obama

از سیاست‌های آمریکا، احتمال می‌رود که یک ایران هسته‌ای شده به شکلی جدی، روند تصمیم‌گیری ایالات متحده در منطقه را برای نسل‌های آینده با محدودیت و مانع مواجه سازد. در واقع، آمریکا می‌تواند جنگی تمام‌عیار علیه ایران راه بیندازد که موجب نابودی یا اختلال جدی برنامه هسته‌ای ایران و حتی احتمالاً فروپاشی حکومت آن گردد. با وجود این، خارج از جریان‌های معدود روان‌بیمار و جامعه‌ستیز خاص واشنگتن، میل چندانی در میان بزرگان بانفوذ آمریکا برای شروع چنین مناقشه عظیمی وجود ندارد. حتی بسیار بعید است که مردم آمریکا، از آن حمایت کنند. بعد از دو دهه خسته‌کننده از حضور در جنگ‌های بی‌ثمر در خاورمیانه، ایده شروع جنگی دیگر با کشوری که بیش از دو برابر عراق است، از نظر سیاسی برای هر رئیس‌جمهوری، بسیار خطرناک می‌باشد.

آمریکا به میزان زیادی درگیر افتضاحی طولانی‌مدت شده که خود، باعث آن بوده است. مذاکره با ایران، اغلب از سوی



رئیس جمهور، دستاورد چندانی نداشته است اما به نظر می‌رسد که بایدن، تنها یک میراث دارد که بتواند بازگردد و به آن بنگرد؛ پدری کردن برای بمب هسته‌ای ایران.

نویسنده: مرتضی حسین^۳
مترجم: هادی قربانیار

ترکیب ضعف و دودلی از سوی بایدن بود که جهان، احتمالاً با خاورمیانه‌ای که همانند کره شمالی است، روبرو خواهد شد؛ به جای نسخه‌ای از ایران، آن‌گونه که در توافق هسته‌ای انگاشته شده بود، ممکن است که از نظر اقتصادی، به غرب وابسته باشد. بدین سبب، بایدن فقط باید خودش را سرزنش کند. او به عنوان

سران آمریکا به عنوان لطفی در حق جمهوری اسلامی توصیف می‌شد، اما واقعیت این بود که این توافق در خدمت منافع مشروع ایالات متحده بود؛ جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و درعین حال، رها کردن این کشور از مشغول شدن به یک مناقشه مسلحانه دیگر در منطقه. برخلاف اظهارات نخست‌وزیر طولانی‌مدت اسرائیل، بنیامین نتانیاها و حامیانش در آمریکا -که تمایل دارند، سازمان‌های لابی‌گراسرائیل را تحت سلطه خود درآورند- و براساس گفته باراک و بسیاری از مقامات اطلاعاتی و سیاسی سابق اسرائیل، توافق نیز در خدمت منافع اسرائیل بود. در میان این همه مقام و مسئول، رئیس سابق موساد، تامیر پارادو^۱ گفته است که خروج از توافق، چیزی کمتر از یک «تراژدی» نبود. این تراژدی، اکنون به واقعیتی ملموس تبدیل شده است؛ آن هم در دوران قدرت و مسئولیت بایدن. اگرچه ترامپ مسیری را آغاز کرد که ما را به این نقطه رساند، اما تنها به لطف

1. Benjamin Netanyahu
2. Tamir Pardo